

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

کار بست فنون علم بیان در توصیف امام حسین علیه السلام در سروده‌های محمد مهدی
الجواهری

۱- حسین محسنی ۲- زهرا توکلی زنگیر

۱- استادیار زبان و ادبیات عربی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه محقق اردبیلی

۲- دانشجوی ارشد زبان و ادبیات عربی، گرایش ادبیات عرب، دانشگاه محقق اردبیلی

Email:(hmohsenib@yahoo.com)

Email:(zahratavakoli471@gmail.com)

چکیده

علم بلاغت با کاربرد ادبی و هنری زبان سرو کار دارد و به چند علم از علوم ادبی اطلاق می‌شود و آن‌ها عبارتند از: علم معانی، علم بیان و علم بدیع. یکی از شاخه‌های اصلی فنون بلاغت علم بیان می‌باشد که به کمک آن ارائه‌ی معنایی واحد به شیوه‌های مختلف بیانی با درجه‌ی شفافیت متفاوت آموخته می‌شود. شاعران برای اینکه بتوانند مفاهیم مورد نظر خود را به مخاطب انتقال دهند، سعی می‌کردند سروده‌های خود را با صنایع مختلف بیارایند. جواهری در اشعار خویش، بخصوص قصیده‌هایی که در ارتباط با امام حسین (علیه السلام) سروده است، از صنایع بلاغی به وفور استفاده نموده است. او که به عنوان شاعر اهل بیت شناخته می‌شود، بررسی اشعارش می‌تواند میزان تبحر وی را در بیان باورهای خویش نسبت به اهل بیت، مخصوصاً امام حسین علیه السلام روشن سازد. این پژوهش درصدد است با بررسی مضامین اشعار جواهری در مورد امام حسین (علیه السلام) میزان استفاده از فنون علم بیان را در اشعار وی بررسی کند. از نتایج به دست آمده در این پژوهش این است که شاعر از زیر شاخه‌های علم بیان، استعاره و تشبیه را بیشتر از صنایع دیگر برای توصیف ویژگی‌های امام حسین علیه السلام مورد توجه قرار داده است.

کلمات کلیدی: محمد مهدی الجواهری، ادبیات متعهد، بلاغت، علم بیان، امام حسین علیه السلام

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

مقدمه

علم بلاغت به طور کلی با کاربرد ادبی و هنری زبان سر و کار دارد. بلاغت نویسان در طول تاریخ بر اساس متون ادبی اقدام به صورت بندی و فرمول بندی قواعد بلاغی کرده اند. علمای ادب از قرن دوم هجرت، در کنار پرداختن به معنی و تفسیر قرآن کریم به نکات بلاغی نیز توجه داشته و آن ها را در کتب مربوط به معانی قرآن و اعراب قرآن و... می نگاشتند. به تدریج این مباحث را در معنی احادیث پیامبر اکرم (ص) و معانی اشعار عرب هم گسترش دادند. «فنون بلاغت از جمله علمی است که بعد از اسلام تألیف و تدوین شد و در ابتدا هر سه فن به هم آمیخته بود، اما به تدریج از هم جدا گشته و هر کدام به عنوان فنی مخصوص نامیده شد.»^۱ علوم بلاغی چند علم از علوم ادبی را شامل می شود و آن ها عبارتند از: علم معانی، علم بیان و علم بدیع. «علوم بلاغی مجموعه‌ی قواعدی است که به کمک بخشی از آن، ارائه‌ی معنایی واحد به شیوه‌های مختلف بیانی با درجه‌ی شفافیت متفاوت، آموخته می‌شود، این بخش از علوم بلاغت، علم بیان را شامل می‌شود.»^۲

مباحث علم بیان شامل: تشبیه، استعاره، کنایه و مجاز می‌باشد. «تشبیه» آن است که چیزی را به چیزی در صفتی مانند کنند.^۳ «استعاره» مجازی است که مناسبت بین معنای مجازی و حقیقی آن، مشابهت باشد. یعنی قصد شده باشد که به کارگیری لفظ در این معنای مجازی به جهت مشابهت آن با معنای حقیقی است.^۴ «کنایه» یعنی متکلم درصدد اثبات معنایی است، ولی آن را با لفظی که جهت آن معنی اعمال شده است، بیان نمی‌کند بلکه به سمت معنایی می‌رود که در وجود تالی و تابع معنی ظاهر لفظ است و به وسیله‌ی این معنی ظاهری به معنی مورد نظر خود اشاره می‌کند و این را دلیل بر آن قرار می‌دهد.^۵ «مجاز» یعنی به کاربردن کلمه‌ای در معنای غیر حقیقی، اما باید بین معنای حقیقی و مجازی ارتباطی وجود داشته باشد تا مخاطب بتواند به مقصود گوینده نائل گردد. یعنی یک سرنخی نیاز داریم تا ذهن مخاطب را از معنای حقیقی دور کرده و به سمت معنای مجازی سوق دهیم، این سرنخ را علاقه می‌نامند. «مجاز بکارگیری لفظ است در غیر معنی اصلی و موضوع له حقیقی به مناسبتی، و آن مناسبت را علاقه می‌نامند.»^۶

محمد مهدی الجواهری شاعر نامدار عرب در اشعار خویش از صنایع بلاغی به وفور استفاده نموده است. وی در خاندانی اهل علم در نجف دیده به جهان گشوده است. تحصیلات ابتدایی را در نجف گذرانده و سپس به مدرسه رشديه رفت و به یادگیری زبان و ادبیات عرب و جغرافیا پرداخت. جواهری با وجود داشتن استعداد و حافظه‌ی قوی، در ابتدا تمایلی به تحصیلات سنتی نداشت.^۷ اما همین تحصیلات سنتی و مطالعه‌ی اشعار قدما تأثیر زیادی بر شعر وی گذاشت.^۸ وی از همان دوران کودکی علاقه‌ی شدیدی به شعر داشت. جواهری در سن هیجده سالگی نخستین شعرش را با نام مستعار، در

^۱ - همایی، جلال الدین، فنون بلاغت و صناعات ادبی، ۱۳۸۹: ۱۸

^۲ - تفتازانی مسعود بن عمر، مختصر المعانی، ۱۴۱۱

^۳ - همایی، جلال الدین، فنون بلاغت و صناعات ادبی، ۱۳۸۹: ۱۵۱

^۴ - عرفان، حسن، شرح جواهر البلاغه، ۱۳۳۶: ۲۶۹

^۵ - تجلیل، جلیل، ترجمه اسرار البلاغه، ۱۳۸۹: ۶۷

^۶ - همایی، جلال الدین، فنون بلاغت و صناعات ادبی، ۱۳۸۹: ۱۶۲

^۷ - جواهری، محمد مهدی، مذکراتی، ۱۹۹۹: ج ۱: ۴۳

^۸ - جیوسی، سلمی خضراء، جریان شناسی تحلیلی شعر معاصر عرب، ج ۱: ۱۹۷

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

روزنامه «العراق» چاپ رساند و به دلیل استحکام اشعارش خیلی زود جای خود را در میان خوانندگان باز کرد.^۱ اولین مجموعه‌ی شعری او، با عنوان «حبله الادب» در سال ۱۹۲۳م در بغداد انتشار یافت.^۲ از دیگر آثار او می‌توان «دیوان الجواهری»، «دیوان بین الشعور و العاطفه»، «بریده العوده» و... را نام برد.

این شاعر بلندآوازه‌ی عراق، در عین تقید به قالب‌های شعر قدیم، در گروه شاعران اجتماعی و صاحب اندیشه‌های جدید قرار می‌گیرد. و شعرش تلفیقی از شعر قدیم و جدید است. او مفاهیم جدید را در قالب اسلوب‌های قدیم می‌ریزد.^۳ و از میان اغراض‌های گوناگون شعر قدیم بیشتر وصف را بر می‌گزیند.^۴ وی دو قصیده‌ای نیز در وصف امام حسین (علیه السلام)، با عنوان «آمنت بالحسین» و «عاشورا» در دیوان شعری اش به ثبت رسانده است.

بیان مسئله

یکی از ابزارهای غنی‌سازی شعر عربی مباحث بلاغی است. شاعران برای این‌که بتوانند معانی و مفاهیم مورد نظر خود را به ذهن مخاطب انتقال دهند سعی می‌کردند تا آنجا که می‌توانند سروده‌های خود را با صنایع بلاغی مختلف بیاریند. روشن است، هر قدر شیوایی و رسایی سخن بیشتر باشد تأثیرش در شنونده عمیقتر و پایدارتر خواهد بود. جواهری که سروده هایش در مورد امام حسین علیه السلام مشهور است، از صنایع بلاغی استفاده فراوانی در تعبیر خود از امام حسین کرده است. این پژوهش درصدد است با بررسی مضامین اشعار جواهری در مورد امام حسین (علیه السلام) کاربست و میزان استفاده از فنون علم بیان را در این سروده‌ها بررسی کند.

اهمیت و ضرورت پژوهش

صنایع بلاغی، یکی از شاخه‌های کاربردی علوم ادبی است که هدف آن مزیت بخشیدن به سخن می‌باشد. مسلم است که اگر فنون بلاغت به کار گرفته شده در سروده‌های «الجواهری» در وصف امام حسین علیه السلام تبیین شود، ارزش این سروده‌ها افزون می‌گردد و مخاطبان بهتر می‌توانند آن را درک کنند و با زیبایی این نوع از سروده‌ها بیش از پیش آشنا می‌شوند. از آنجا که نهضت سیدالشهدا علیه السلام مبنای بسیاری از حرکات شیعیان بوده و امروز شیعیان با الگوگیری از آن بزرگوار، در جهان به عنوان الگویی تسلیم ناپذیر در برابر ظلم معرفی می‌گردند، بنابراین ضرورت می‌یابد که با تحلیل و بررسی این نوع سروده‌ها از نظر فنون علم بیان و معرفی بهتر ویژگی‌های امام به عنوان الگویی برای پیروانش با اهتمام بیشتری صورت گیرد.

پیشینه و مبانی تحقیق

^۱ - جواهری، محمد مهدی، مذکراتی، ۱۹۹۹، ج: ۱، ۸۷-۸۶

^۲ - یسوعی، کامبل، اعلام الادب العربی المعاصر، ج: ۱، ۴۳۵

^۳ - جیوسی، سلمی خضراء، جریان شناسی تحلیلی شعر معاصر عرب، ج: ۱، ۱۹۸

^۴ - کوشش، رحیم، ترجمه شعر معاصر عربی، ۱۳۹۸: ۶۵

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

محمد مهدی الجواهری از بزرگ‌ترین شاعران معاصر عراقی محسوب می‌شود. وی در سرودن شعر از قرآن کریم و نهج البلاغه تأثیرات زیادی پذیرفته است. او سروده‌هایی درمورد اهل بیت و به خصوص امام حسین (علیه السلام) از خود به یادگار گذاشته است، که تحقیقات متعددی در مورد آن‌ها صورت گرفته است. از جمله آن‌ها: «امام حسین و عاشورا در قصیده آمنت^۱ بالحسین الجواهری»^۱ در این مقاله ضمن بررسی محتوا و مضامین قصیده به ویژگی‌های ادبی و زبانی قصیده اشاره شده است. «مقایسه‌ی عناصر شعری عاشورا اثر الجواهری و حماسه حسینی اثر شهریار»^۲ در این مقاله به واقعه و حوادث روز عاشورا از دیدگاه دو شاعر شیعه مذهب پرداخته شده و هم‌چنین به درون مایه‌ی دو قصیده نیز اشاره شده است. «عاشوراء فی الشعر العراقي المعاصر (عبدالمعظم الفرطوسی و محمد مهدی الجواهری نموذجا)»^۳ پژوهشگر در این پژوهش به پیام‌ها و نتایج عاشورا اشاره کرده است. «شعر جواهری از منظر تحلیل ساختاری (بررسی موردی دو قصیده‌ی دینی شاعر)»^۴ در این مقاله به ویژگی‌های زبانی دو قصیده پرداخته شده است و از نظر ساختاری نیز آن را بررسی کرده‌اند. پژوهش‌های فوق در ارتباط با سروده‌های جواهری صورت گرفته است. ولی در هیچ کدام از آن‌ها به کاربرت فنون علم بیان در سروده‌های الجواهری، پرداخته نشده است. از این رو این پژوهش درصدد است کاربرت فنون علم بیان را در توصیف امام حسین (علیه السلام) در سروده‌های جواهری مورد تحلیل و بررسی قرار دهد.

بررسی علم بیان در سروده‌های جواهری

۱_ علم بیان

بخشی از علوم بلاغی ارائه‌ی معنایی واحد به روش‌های مختلف بیانی با درجه‌ی شفافیت متفاوت آموخته می‌شود. این بخش از علوم بلاغی، علم بیان را شامل می‌شود. «علمُ البیان: و هو علمُ یُعرفُ به إیرادُ المعنی الواحدِ، بطرقٍ مختلفهٍ، فی وضوحِ الدلالةِ علیه.»^۵ (علم بیان: و آن دانشی است که به وسیله‌ی آن، ایراد یک معنی با شیوه‌ها و ترکیب‌های گوناگون شناخته می‌شود، ترکیب‌هایی که وضوح دلالتشان بر آن معنی متفاوت است). و موضوعاتی که علم بیان در مورد آن‌ها بحث می‌کند، تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه می‌باشد.

۱_۱ تشبیه

تشبیه در لغت به معنی همانند کردن، شبیه گردانیدن است. (المنجد: ذیل ماده شبه) و در اصطلاح قرار دادن همانندی میان دو یا چند چیز می‌باشد، چیزهایی که اشتراک آن‌ها در یک یا بیش‌تر از یک صفت مقصود است. «التشبیهُ: الدلالةُ علی مشارکةِ امرٍ لِآخر

^۱ - شهبازی، اصغر، امام حسین و عاشورا در قصیده آمنت بالحسین الجواهری، ۱۳۹۵

^۲ - سپهوند، زینب، مقایسه عناصر شعری عاشورا اثر جواهری و حماسه حسینی اثر شهریار، ۱۳۹۴

^۳ - پرنوش، اشرف، عاشورا فی الشعر العراقي المعاصر (عبدالمعظم الفرطوسی و محمد مهدی الجواهری نموذجا)، ۱۳۹۲

^۴ - انصاری، نرگس و سیفی، شعر جواهری از منظر تحلیل ساختاری (بررسی موردی دو قصیده دینی)، ۱۳۹۲

^۵ - تفتازانی، مسعود بن عمر، مختصر المعانی، ۱۴۱۱: ۷۲

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

فی معنی.^۱ (تشبیه آن است که بر اشتراک چیزی با چیز دیگر در معنایی دلالت می‌کند). هر تشبیه، به وسیله‌ی ابزاری و برای هدفی که مورد نظر متکلم باشد، شکل می‌گیرد.

۱-۱-۱ تشبیه مرکب

«تشبیه مرکب از فاخرترین انواع تشبیه است که صحنه‌ای را با عناصر گوناگونش بر صحنه‌ای مانند می‌کند.»^۲

تَخَبَّطَ فِي غَابِهِ أَطَبَقَتْ عَلَيَّ مُذَيَّبٍ مِنْهُ أَوْ مُسَبِّحٍ (جواهری: ۲۲۳)

«او در جنگلی فرو رفته بود که در این جنگل انسان‌ها از حیوانات درنده و گرگ صفت در بیم و هراس بودند.»

در این بیت شاعر، دوران پر از ظلم و ستم بنی امیه را به جنگلی تشبیه کرده و انسان‌هایی که در این دوره می‌زیستند را به افرادی که در جنگل از گرگ و حیوانات درنده بیمناک هستند. بنابراین تشبیه از نوع مرکب می‌باشد.

يَسِيرُ الْوَرَى بِرِكَابِ الزَّمَانِ مِنْ مُسْتَقِيمٍ وَ مِنْ أَضَلِّعٍ (جواهری: ۲۲۵)

«انسان‌ها در کاروان زمان در حرکت هستند، که برخی از آن‌ها به درستی راه می‌روند و برخی لنگ لنگان.»

شاعر در این بیت، جامعه‌ی مسلمانان را در مسیر حرکت خویش به کاروان تشبیه کرده است، کسانی که در راه مستقیم هستند و مسیر هدایت را طی می‌کنند، تشبیه به رهروانی نموده که درست راه می‌روند و کسانی که از راه هدایت جدا گشته و منحرف شده‌اند به افراد لنگ تشبیه نموده، که درست راه نمی‌روند. پس تشبیه‌ی که بکار گرفته شده، تشبیه مرکب می‌باشد.

۱-۱-۲ تشبیه تمثیل

تشبیه تمثیل آن است که وجه شبه در آن برداشت شده از چند چیز باشد. «به عبارت دیگر تشبیه‌ی است که وجه شبه آن مرکب باشد. البته هر تشبیه مرکبی را نمی‌توان تشبیه تمثیل نامید، در تشبیه تمثیل مشبه به باید جنبه‌ی مثل یا حکایت داشته باشد.»^۳

تَارُمٌ حَقْدًا عَلَى الصَّاعِقَاتِ لَمْ تَنْ ضَيْرًا وَ لَمْ تَنْفَعِ (جواهری: ۲۲۴)

«از روی خشم و غضب بر کسانی که مایه‌ی عذاب امتند و فایده‌ای برای مردم ندارند و ظلمی از ایشان دفع نمی‌کنند، خشم می‌گیری.»

شاعر این‌جا تشبیه تمثیل به کار برده یعنی انسانی که دلش از بی‌عدالتی حاکمان به خشم آمده را تشبیه به کسی کرده است که از شدت خشم دندان‌هایش را به هم می‌فشارد. و جامع میان این دو خشم و عصبانیت است.

تَعَالَيْتَ مِنْ فَلَكٍ قَطْرُهُ يَدُورُ عَلَى الْمِحْوَرِ الْأَوْسَعِ (جواهری: ۲۲۵)

«شأن و مرتبه ات بالاست ای فلکی که مدارش به گرد یک محور بزرگی می‌گردد»

^۱ - خطیب قزوینی، محمد بن عبدالرحمن، الايضاح في علوم البلاغة، ۲۰۰۳: ۱۶۴

^۲ - تجلیل، جلیل، معانی و بیان، ۱۳۵۶: ۴۹

^۳ - شمیسا، سیروس، بیان، ۱۳۶۹: ۵۸

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

در این بیت شاعر از تشبیه تمثیل استفاده نموده است ، همانطور که مدارها به دور خورشید می چرخند، و از خورشید بهره مند می-شوند، و اگر خورشید نباشد گردش مدارها معنی نخواهد داشت. شاعر جایگاه امام را مانند خورشید قرار داده که در مرکز این مدارهاست. و کسانی که در مدار (مسیر) هدایت امام قرار بگیرند از رهنمودهای او بهره مند شده و به سعادت خواهند رسید.

و غَيْبٌ عَن بَطْحَاءِ مَكَّةَ أَزْهَرُ أَطْلَّ عَلَى الطَّفِّ الْحَزِينِ فَأَقَمَرَا (جواهری: ۲۸۶)

«از سرزمین مکه و حجاز گل‌هایی ناپدید شدند که در یک صحرای دیگر فرود آمدند و آنجا را نورانی کردند.»

شاعر هجرت امام حسین علیه السلام با اصحاب و یارانش از سرزمین مکه بسوی کربلا را به ناپدید شدن گل‌ها از یک مکان و نمایان شدن آن در مکانی دیگر و منور ساختن آن جا، تشبیه نموده است. پس می‌توان گفت که این یک تشبیه تمثیل است.

۱-۱-۳ تشبیه مؤکد

تشبیهی است که ابزار تشبیه (ادات تشبیه) از آن حذف شده باشد. برخی از تشبیه مؤکد به گونه‌ای است که در آن مشبه به به مشبه اضافه شده است، این اضافه ، اضافه تشبیهی نام دارد.

سَمَمْتُ فَرَاكَ فَهَبَّ النَّسِيمِ نَسِيمُ الْكِرَامَةِ مِنْ بَلْقَعِ (جواهری: ۲۲۴)

«عطر خاک مزارت استشمام کردم و این عطرهمچون نسیم کرامتی بر جان خشکیده من وزیدن گرفت.»

در این بیت، اصطلاح «نسیم الکرامه» اضافه تشبیهی است، یعنی مشبه به (نسیم) به مشبه (الکرامه) اضافه شده است. شاعر در اینجا از تشبیه مؤکد استفاده کرده تا تصویر واضحی از کرامت و عظمت امام را در ذهن مخاطب تداعی کند.

وَيَا وَاصِلًا مِنْ نَشِيدِ الْخُلُودِ خِتَامَ الْقَصِيدَةِ بِالْمَطَّلِعِ (جواهری: ۲۲۵)

«ای کسی که مطلع قصیده‌ی سرود جاودانگی را به پایان آن متصل ساخته است»

در این بیت اصطلاح «نشید الخلود» اضافه‌ی تشبیهی است. یعنی جاودانگی را به سرود تشبیه نموده است . و جامع میان این دو، ثبات و جاودانه بودن است.

لِتُبَدِّلَ مِنْهُ جَدِيبَ الضَّمِيرِ بِأَخْرَ مَعْشَوْشِبٍ مَمْرِعِ (جواهری: ۲۲۴)

«تو قدم در این بیابان پر خطر نهادی تا روح و جان قحطی زده‌ی انسان‌ها را به دشتی سرسبز و آباد تبدیل کنی.» در این بیت «جَدِيبَ الضَّمِيرِ» یک اضافه‌ی تشبیهی است. شاعر انسان‌های بی‌بهره از معارف اهل بیت علیهم السلام را به بیابان خشک و بی‌آب و علف تشبیه نموده است. و هم‌چنین «مَعْشَوْشِبٍ مَمْرِعِ» یک اضافه تشبیهی است، که انسان‌های بهره‌مند از معرفت اهل بیت علیهم السلام را به دشتی سرسبز تشبیه نموده است. شاعر این‌جا تشبیه مرکب نیز بکار گرفته است. یعنی انسان‌های خالی از معرفت اهل بیت را به بیابان خشک و قحطی زده و انسان‌های دارای معرفت اهل بیت را به دشتی سرسبز و خرم تشبیه نموده است.

۱-۱-۴ تشبیه بلیغ

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

تشبیهی است که ابزار تشبیه (ادات تشبیه) و وجه شبه از آن حذف شده باشند یعنی فقط طرفین تشبیه (مشبه و مشبه به) را دارا باشد.

مشی ابن علی مشیه اللیث مخدراً تَحَدَّتْهُ فِي الْغَابِ الذَّنَابُ فَأَصْحَرَا (جواهری: ۲۸۶)

«فرزند علی علیه السلام همچون شیر بیشه‌ای راه می‌پیماید که گرگ‌های آن بیشه، او را به مبارزه طلبیدند.»

در این بیت شاعر از تشبیه بلیغ استفاده کرده است. راه پیمودن امام را به راه پیمودن شیر بیشه تشبیه نموده و جامع میان این دو دلیر و شجاع بودن است. شاعر در این جا برای اینکه شجاعت امام را در مقابل دشمنانش به تصویر بکشد، همانندی برای آن آورده که صفت شجاعت در آن آشکار و قطعی است و با این تشبیه خواسته، شناخت مخاطب از امام بهتر و عمیق تر صورت بگیرد.

وَ مازَالَتْ الْأَضْغَانُ بِابْنِ أُمِّيَّةٍ تَرَا جِعُ مِنْهُ الْقَلْبَ حَتَّى تَحْجَرَا (جواهری: ۲۸۷)

«کینه‌هایی که همواره در دل‌های بنی امیه بود، بر اثر تکرار، دل‌هایشان را به سنگ تبدیل کرده بود.»

واژه‌ی «تَحْجَرَا» از ریشه‌ی حجر به معنی سنگ شدن است؛ که شاعر در این بیت قلب دشمن را به سنگ تشبیه نموده است و جامع میان این دو سخت بودن می باشد. بنی امیه نسبت به فرزندان علی علیه السلام آنقدر کینه داشتند که دل‌هایشان در اثر این کینه‌ها مثل سنگ سخت شده بود. تشبیهی که شاعر بکار برده از نوع تشبیه بلیغ می‌باشد.

فَمَا كَانَ بَيْنَ الْقَوْمِ تَنْصَبُ كَتَبُهُمْ عَلَيْهِ انْصَابَ السَّيْلِ لَمَّا تَحَدَّرَا (جواهری: ۲۸۷)

«چه اتفاقی برای قومی افتاد؟ که نامه‌هایشان به حسین بن علی مانند سیل مدام سرازیر می‌شد.»

شاعر در این بیت نامه‌هایی که اهالی کوفه برای دعوت از امام حسین علیه السلام به کوفه و بیعت با او نوشتند و به وی فرستادند، آن‌ها را به سیل مانند کرده و جامع میان این دو فراوانی حجم و ادامه دار بودن می‌باشد. و تشبیهی که در این بیت شاعر از آن استفاده نموده تشبیه بلیغ می‌باشد.

۱_۲_ استعاره

استعاره به کاربردن لفظ در غیر معنای حقیقی است به جهت مشابهتی که بین معنای حقیقی و معنای مجازی وجود دارد، همراه با قرینه‌ای که از اراده معنی حقیقی باز می‌دارد. «الاستعاره و هی مجاز تکون علاقته المشابهة، أی قُصِدَ أَنْ الاطلاق بسبب المشابهة.»^۱ (استعاره مجازی است که مناسبت بین معنای حقیقی و مجازی آن، مشابهت باشد. یعنی قصد شده باشد که به کارگیری لفظ در این معنای مجازی به جهت مشابهت آن با معنای حقیقی است).

۱_۲_۱ استعاره مکنیه (بالکنایه)

^۱ - عرفان، حسن، شرح جواهر البلاغه، ۱۳۷۵: ۲۶۹

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

در این نوع استعاره مشبه ذکر و مشبه به حذف می‌گردد. «این استعاره بخاطر اینکه تصریح به لفظ مشبه به نمی‌کند و آن را پنهان می‌دارد، مکنیه یا بالکنایه نام گرفته است ولی در عین حال چیزی از لوازم مشبه به را می‌آورند که خود قرینه استعاره مکنیه واقع می‌شود.»^۱

وَصَوْنًا لِمَجْدِكَ مِنْ أَنْ يُذَالَ بِمَا أَنْتَ تَأْبَاهُ مِنْ مُبَدَّعٍ (جواهری: ۲۲۴)

«مجد و شکوه تو باید ادامه پیدا کند تا سرکشی بی‌مانند تو در مقابل ظلم و ذلت همواره پایدار بماند»

شاعر در این جا مجد را به پیراهنی تشبیه کرده است که بلند و دامن دار است. پس مجد مشبه (مستعارله) است و پیراهن بلند مشبه به (مستعارمنه) ، که شاعر از ذکر پیراهن خودداری کرده و به لوازمی از پیراهن که بلندی و ادامه دار بودن و بر روی زمین کشیده شدن است، اشاره نموده است و جامع میان مجد و پیراهن، بزرگی و تداوم آن می‌باشد.

تَعَالَيْتَ مِنْ مُفْرَعٍ لِلْحُتُوفِ وَوُورِكَ قَبْرِكَ مِنْ مَفْرَعٍ (جواهری: ۲۲۳)

«بلند و با عظمتی ای کسی که مرگ و تباهی از تو بیمناک است و مبارک است مزارت و پناهگاه پناهجویان است.» در این بیت استعاره مکنیه وجود دارد، یعنی شاعر فقط به ذکر لفظ مشبه که مرگ می‌باشد، اکتفا نموده و انسان را که مشبه به است، حذف کرده و به لوازمی از انسان که ترسو و بیمناک بودن باشد، اشاره کرده است.

وَيَا عُصْنَ هَاشِمٍ لَمْ يَنْفَتَحِ بِأَزْهَرِ مَيْكَ وَ لَمْ يُفْرِعِ (جواهری: ۲۲۵)

«ای شاخه‌ی درخت بنی هاشم ، که در میان شاخه‌هایش شکفته‌تر از تو وجود ندارد.»

در این جا خاندان بنی هاشم را تشبیه کرده به درخت، مشبه خاندان بنی هاشم و مشبه به، درخت که ذکر نشده است و به شاخ و برگ آن اشاره نموده که از لوازم مشبه به می‌باشد. یعنی استعاره مکنیه را شاعر اینجا بکار برده است. خَذَا الْمَوْتُ ظَعْنَ الْهَاشِمِيِّينَ نَاطِيًا بِهِمْ عَنِ مَقَرِّ هَاشِمِيٍّ مُنْفَرًا (جواهری: ۲۸۶)

«مرگ پیام جدایی هاشمیان را فریاد زد و آن‌ها را از خانه‌ها و سرزمین خویش فراری ساخت.»

در این بیت مرگ تشبیه شده است به انسانی که پیام جدایی را سر می‌دهد. انسان به عنوان مشبه به حذف شده و به سر دادن پیام (جدایی) که از خصوصیات انسان می‌باشد اشاره شده است و مرگ را به عنوان مشبه در اینجا ذکر نموده است، پس استعاره از نوع مکنیه می‌باشد.

۱_۲_۲_ استعاره مصرّحه (تصریحیه)

شَمَمْتُ تَرَاكَ فَهَبَّ النَّسِيمِ نَسِيمُ الْكَرَامَةِ مِنْ بَلَقَعٍ (جواهری: ۲۲۴)

«عطر خاک مزارت را استشمام کردم و این عطر همچون نسیم کرامتی بر جان خشکیده‌ی من وزیدن گرفت.»

در این بیت استعاره مصرّحه وجود دارد. لفظ «بَلَقَع» به معنای سرزمین خشک و بی آب و گیاه است. در این جا شاعر آن را استعاره از وجود خود آورده، یعنی جان شاعر در بی بهره بودن از معرفت امام به سرزمینی تشبیه شده که از آب و گیاه بی نصیب است.

تَعَالَيْتَ مِنْ فَلَكِ قَطْرُهُ يَدُورُ عَلَى الْمَجُورِ الْأَوْسَعِ (جواهری: ۲۲۵)

^۱ - اقبالی، ابراهیم، ترجمه البلاغه الواضحه، ۱۳۸۰: ۲۳۹

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

«شأن و مرتبهات بالاست ای فلکی که مدارش به گرد یک محور بزرگی می‌گردد.»

در این جا شاعر واژه فلک را استعاره از امام حسین علیه السلام آورده، یعنی امام مانند خورشیدی است که وجودش به همه چیز وجود و معنی می‌بخشد، اگر خورشید نباشد مدار و گردش بی معنی است.

وَلَمَّا أَرَحَتْ طَلَاءَ الْقُرُونِ وَسَيَّرَ الْجِدَاعَ عَنِ الْمَخْدَعِ (جواهری: ۲۲۷)

«و آنگاه زنگار و غبار گذر قرن‌ها را از حقیقت قیام امام کنار زد و پرده‌ی نیرنگ را از مطالب و حقایق کنار زد.»

در این بیت شاعر مطالب غیر واقعی و مُخَرَّف تاریخی در مورد قضیه‌ی عاشورا که طی قرن‌های متمادی وارد فرهنگ و باور عاشورایی شیعیان شده است را به غبار و زنگار تشبیه کرده است. مطالب غیر واقعی را حذف کرده و غبار و زنگار را باقی گذاشته است، پس در این بیت استعاره از نوع مصرحه وجود دارد.

مَشَى ابْنُ عَلِيٍّ مِشِيَةَ اللَّيْثِ مُخَدِّرًا تَحَدَّثَهُ فِي الْغَابِ الذَّنَابُ فَأُصْحِرَا (جواهری: ۲۸۶)

«فرزند علی علیه السلام همچون شیر بیشه‌ای راه می‌پیماید که گرگ‌های آن بیشه، او را به مبارزه طلبیدند.»

در اینجا شاعر دشمنان امام حسین علیه السلام که وی را به مبارزه طلبیده‌اند، به گرگ‌های جنگل تشبیه نموده است. دشمنان امام که مشبه هستند حذف شده و گرگ‌های جنگل را به عنوان مشبه به اراده کرده است، بنابراین استعاره از نوع مصرحه می‌باشد. و جامع میان این‌ها درندگی و وحشی‌گری است.

۱_۳_ مجاز

مجاز یعنی به‌کاربردن کلمه‌ای در معنای غیر حقیقی، اما باید بین معنای حقیقی و مجازی ارتباطی وجود داشته باشد. یعنی یک سرنخی نیاز داریم تا ذهن مخاطب را از معنای حقیقی دور کرده و به سمت معنای مجازی سوق دهیم، این سرنخ همان علاقه است. «مجاز به‌کارگیری لفظ است در غیر معنی اصلی و موضوع له حقیقی به مناسبتی و آن مناسبت را علاقه می‌نامند.»^۱

وَ حُزْنَا عَلَيْكَ بِحَسِّ النَّفُوسِ عَلَى نَهْجِكَ النَّيِّرِ الْمَهِيَعِ (جواهری: ۲۲۳)

«جان‌ها از شدت غم و اندوه در مسیر نورانی و باشکوه تو معتکف شده‌اند. (یا غم و اندوه مصیبت تو نفس‌ها را بند آورده است).»

در این بیت «نفوس» مجاز مرسل است و علاقه‌ی آن لازمیّت می‌باشد. چون نفس، هر جا انسان باشد یافت می‌شود.

وَ حَيْثُ سَنَابِكُ خَيْلِ الطُّغَاةِ جَالَتْ عَلَيْهِ وَ لَمْ يَخْشَعْ (جواهری: ۲۲۴)

«همان‌جایی که سُم اسبان گردنکشان در آن‌جا جولان داده بود و در مقابل مقام و شأن تو خاضع و فروتن نبودند»

در این‌جا واژه‌ی «سنابک» یعنی سم حیوانات (اسبان) مجاز از اسبان هستند که در آن‌جا جولان می‌دادند. مجاز به علاقه‌ی جزئیّت است، یعنی شاعر سنابک که جزئی از حیوان است ذکر کرده و اسب را از آن لفظ اراده نموده است.

يَدَا فِي اصْطِبَاغِ حَدِيثِ الْحُسَيْنِ بِلَوْنٍ أُرِيدَ لَهُ مُتَمِّعٍ (جواهری: ۲۲۶)

«دست‌هایی وجود داشتند که تلاش کردند واقعه‌ی حسین را گونه‌ای روایت کنند که برای خودشان دلنشین باشد»

^۱ - همایی، جلال الدین، فنون بلاغت و صناعات ادبی، ۱۳۸۹: ۱۶۲

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

یَدًا در این بیت مجازاً انسان‌ها است. به علاقه‌ی جزئیت یعنی دست که جزئی از بدن انسان است ذکر شده و کل انسان، از آن اراده شده است.

هِيَ النَّفْسُ تَأْتِي أَنْ تَذَلَّ وَ تُقَهَّرَا تَرَى الْمَوْتَ مِنْ صَبْرِ عَلَى الضَّيْمِ أَيْسَرَا (جواهری: ۲۸۶)
«این جان است که ابا دارد از اینکه به ذلت و زورگویی تن دهد و مرگ را آسانتر از تسلیم در برابر ظلم می‌داند.»
و تَخْتَارُ مَحْمُوداً مِنَ الذِّكْرِ خَالِداً عَلَى الْعَيْشِ مَذْمُومَ الْمَغْبَةِ مُنْكَرَا (جواهری: ۲۸۶)
«آن جان، یاد و خاطره جاویدان و پسندیده را بر زندگی پر از تاریکی و تباهی ترجیح می‌دهد.»

در این ابیات شاعر «نفس» را مجاز از امام علیه السلام آورده است. به علاقه‌ی لازمیت یعنی نفس که لازمه‌ی وجود انسان است ذکر شده و انسان (امام) از آن اراده شده است.

۱_۴_۱_ کنایه

«کنایه یعنی این که متکلم در صدد اثبات معنایی است، ولی آن را با لفظی که جهت آن معنی اعمال شده است، بیان نمی‌کند بلکه به سمت معنایی می‌رود که در وجود تالی و تابع معنی ظاهر لفظ است و به وسیله‌ی این معنی ظاهری به معنی مورد نظر خود اشاره می‌کند و این را دلیل بر آن قرار می‌دهد.»^۱
هرگاه شاعر یا نویسنده‌ای در کلام خود کنایه‌ای را بکار می‌گیرد؛ مطلوب شاعر یا نویسنده از کنایه، یا موصوف است، گاه مطلوب از کنایه صفت و گاهی هم مطلوب شاعر از کنایه نسبت می‌باشد.

۱_۴_۱_ کنایه موصوف

وَ رَعِيًّا لِيَوْمِكَ يَوْمِ الطُّفُوفِ وَ سَقِيًّا لِأَرْضِيكَ مِنْ مَصْرَعِ (جواهری: ۲۲۳)
«آن روزی که در سرزمین کربلا به شهادت رسیدی، روز با عظمت باد و خاکی که در آن بر زمین افتادی، همواره سیراب و پر باران باد.»
واژه‌ی طُفُوف از ریشه‌ی طَفَّ و نام منطقه‌ای در نزدیکی فرات می‌باشد. در این بیت شاعر طُفُوف را کنایه از سرزمین کربلا آورده و کنایه از موصوف می‌باشد.

۱_۲_۴_۱_ کنایه صفت

وَ يَابِنَ الْبَطِينِ بِلَا بَطْنَهُ وَ يَابِنَ الْفَتَى الْحَاسِرِ الْأَنْزَعِ (جواهری: ۲۲۵)
«ای فرزند انسانی که سینه‌اش سرشار از علم و دانش بود و ای فرزند دل‌آوری که از شرک و بت پرستی دوری می‌کرد.»
در این بیت جواهری دو واژه‌ی «البطین» و «الأنزع» را به احتمال قوی با معنی کنایی آن به کار برده است، زیرا معنای ظاهری این کلمات منافی با مقام امیر المومنین است، مغرضان و معاندان معنی ظاهری آن را استعمال می‌کردند، یعنی بطین را شکم بزرگ و

^۱ - تجلیل، جلیل، ترجمه اسرار البلاغه، ۱۳۸۹: ۷۶

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

پهن و انزع را کسی که موی سرش ریخته باشد. ولی شاعر به دلیل توجه و ارادت به مکتب اهل بیت و آگاهی با مکتب ایشان، که آنزع البَطین یکی از کنیه‌های معروف امیر المومنین علی علیه السلام بوده است، می‌توان گفت که برای واژه‌ی البَطین معنی علم و دانش را و برای الأنزع، بیزار بودن از شرک را قصد نموده است. و در این‌جا برای تأیید ادعای شاعر دلایل روشنی از کتاب‌های دینی و تاریخی شیعه و اهل سنت آورده‌ایم. در زیارت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است: «...وَ بِأَخِيهِ وَابْنِ عَمِّهِ الْأَنْزَعِ الْبَطِينِ الْعَالِمِ الْمُبِينِ عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ...»^۱ رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم خطاب به امیرالمومنین علیه السلام فرموده: «مژده باد تو را، که تو آنزع البَطین هستی، یعنی از شرک بریده‌ای و از علم سرشاری»^۲ و هم‌چنین ابن جوزی می‌گوید: «او را بطین گویند زیرا باطنش سرشار از علم و دانش بود و آنزع گویند زیرا از شرک بریده بود»^۳ و در جای دیگری آمده است که «بطین به دلیل سرشاری از علم و آنزع به دلیل بریده شدن از شرک است»^۴ پس با توجه به روایات متعددی که از کتاب‌های دینی و تاریخی در دسترس داریم، نتیجه می‌گیریم که بکار بردن این اصطلاح در معنای کنایه آن مورد تأیید علمای شیعه و اهل سنت می‌باشد. بنابراین مقصود شاعر از «بطین» فراوانی علم و دانش و مقصود از «آنزع» بیزارگی از شرک است، که به ویژگی‌های امیر المومنین علیه السلام اشاره داشته و هر دو مورد کنایه از صفت می‌باشد.

و لكن أنوفاً أبصرَ الدُّلَّ فأنْتَنَى لِأذْيَالِهِ عَن أَنْ تَلَاثَ مُسَمَّرًا (جواهری: ۲۸۶)

«حسین فرد آزاده‌ای بود، ذلت را به نیکی شناخت بنابراین دامن خود را جمع کرد تا مانع از آلودگی پیراهن و لباس خویش گردد.»

در این بیت شاعر واژه‌ی «أنوفاً» را در معنای کنایه بکار برده، یعنی کسی که به اسارت نرفته است. و کنایه از صفت می‌باشد.

۱_۴_۳_ کنایه نسبت

تَأْرَمٌ حَقْدًا عَلَى الصَّاعِقَاتِ لَمْ تُنْءِ ضَيْرًا وَ لَمْ تَنْفَعِ (جواهری: ۲۲۴)

«از روی خشم و غضب بر کسانی که مایه‌ی عذاب امت هستند و فایده‌ای برای مردم ندارند و ظلمی از ایشان دفع نمی‌کنند، خشم می‌گیری.»

«تأرم» از باب تَفْعُل است، یعنی در اصل تَتَأْرَمَ بوده و «ت» باب حذف شده است. معنی تأرم یعنی دندان به هم می‌مالی، در اینجا شاعر معنی اصلی را قصد نکرده بلکه معنی خشم گرفتن را بر آن اراده کرده است، بنابراین در این بیت، تأرم کنایه از خشم گرفتن می‌باشد و شاعر این ویژگی را بر امام نسبت می‌دهد، بنابراین خشم گرفتن، کنایه نسبت می‌باشد.

نتیجه گیری

جواهری از صنایع بیان نسبت به دیگر صنایع بلاغی بیشتر بهره برده است. و از زیر شاخه‌های علم بیان نیز، استعاره و تشبیه را

^۱ - الهی قمشه ای، ترجمه مفاتیح الجنان: ۱۶۲

^۲ - ابن مغزالی، علی بن محمد، مناقب الامام علی بن ابی طالب، ۲۰۰۳: ۴۰۱

^۳ - ابن جوزی، یوسف بن قزوغلی، تذکره الخواص، ۱۴۲۶: ۴

^۴ - ذهنی تهرانی، ترجمه علل الشرایع، ۱۳۸۰، ج ۱: ۵۲۹

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

بیشتر از صنایع دیگر برای توصیف ویژگی‌های امام حسین علیه السلام مورد توجه قرار داده است. شاعر در مطلع قصیده به مدح و ستایش امام می‌پردازد سپس با تغییر غرض شعری وارد بحث سیاسی شده و از انحرافات سخن به میان آورده که در طول تاریخ نسبت به فلسفه‌ی قیام امام وارد کرده‌اند. بدین ترتیب ما حقیقتاً باید جواهری را در کنار اینکه یک شاعر برجسته و مسلط به فنون ادبی می‌دانیم؛ او را در زمره‌ی شاعران ملتزم و متعهد و دارای صبغه‌ی سیاسی نیز به شمار می‌آوریم. جواهری شاعر شیعی مذهب عراقی خودش را در قبال اعراب و بخصوص مردم عراق متعهد می‌داند و قلم و اندیشه اش را جهت خدمت به مردم کشورش بکار گرفته و کسانی که انقلاب حسینی و همچنین مراسم مذهبی عاشورا را در مسیر منفعت خویش قرار داده اند مورد سرزنش قرار داده است.

در رابطه با قیام امام حسین علیه السلام روایات متعددی با هدف القاء مفاهیم نادرست نسبت به ذهن آیندگان وارد شده است، شاعر توانسته با روشنگری‌های خود نکاتی را در خصوص علت واقعه‌ی قیام امام بیان کند و زنگار و غبار قرن‌ها را از حقیقت قیام کنار بزند.

منابع

- ۱- ابن بابویه، محمدبن علی، علل الشرایع، ترجمه: ذهنی تهرانی، ۱۳۸۰ش، قم-ایران، انتشارات مومنین، چاپ اول.
- ۲- ابن جوزی، یوسف بن قزواغلی، تذکره الخواص، ۱۴۲۶ق، قم-ایران، مرکز الطباعة والنشر، چاپ اول.
- ۳- ابن مغزلی، علی بن محمد، مناقب الامام علی بن ابی طالب، ۲۰۰۳م، بیروت-لبنان، دارالأضواء، چاپ سوم.
- ۴- انصاری، نرگس، شعر شیعی فارسی و عربی در گذر تاریخ، فصلنامه ادبیات دینی، شماره چهارم.
- ۵- بدوی، محمدمصطفی، شعر معاصر عربی، مترجم: کوشش، رحیم، ۱۳۹۸ش، تهران-ایران، نشر سیزان، چاپ اول.
- ۶- پرنوش، اشرف، عاشوراء فی الشعر العراقی المعاصر(عبدالمنعم الفرطوسی و محمد مهدی الجواهری نموذجاً)، ۱۳۹۲ش، دانشگاه خوارزمی-تهران
- ۷- تجلیل، جلیل، معانی و بیان، ۱۳۵۶ش، تهران-ایران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ سوم
- ۸- تفتازانی، مسعودبن عمر، مختصرالمعانی، ۱۴۱۱ق، قم-ایران، دارالفکر.
- ۹- جرجانی، عبدالقاهر، دلائل الاعجاز فی علم معانی، ۱۴۲۲ق، بیروت-لبنان، دارالکتب العلمیه، چاپ اول.
- ۱۰- الجواهری، محمدمهدی، دیوان الجواهری، ۱۳۹۲ش، قم-ایران، ذوی القربی، چاپ اول.
- ۱۱- الجواهری، محمد مهدی، دیوان الجواهری، ۱۹۳۵م.
- ۱۲- الجواهری، محمد مهدی، مذكراتی، ج ۱، ۱۹۹۹م، بیروت-لبنان.
- ۱۳- جیوسی، سلمی خضراء، جریان شناسی تحلیلی شعر معاصر عرب، مترجم: شیخی، علیرضا، ۱۳۹۷ش، دانشگاه بین المللی امام خمینی(ره)، چاپ اول.
- ۱۴- خطیب قزوینی، محمدبن عبدالرحمن، الايضاح فی علوم البلاغه، ۲۰۰۳م، بیروت-لبنان، دارالکتب العلمیه، چاپ اول.
- ۱۵- خطیب قزوینی، محمد بن عبدالرحمن، تلخیص المفتاح فی المعانی و البیان و البدیع، قم-ایران، منشورات الرضی، بی تا.
- ۱۶- سپهوند، زینب، مقایسه‌ی عناصر شعری عاشورا اثر جواهری و حماسه حسینی اثر شهریار، ۱۳۹۴ش، دانشگاه لرستان.
- ۱۷- شمیسا، سیروس، بیان، ۱۳۶۹ش، تهران-ایران، انتشارات پیام نور.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

- ۱۸- شهبازی، اصغر، امام حسین و عاشورا در قصیده‌ی امنت بالحسین الجواهری، ۱۳۵۹ش، دانشگاه اصفهان
- ۱۹- عرفان، حسن، کرانه‌ها شرح فارسی کتاب مختصر المعانی، ۳جلد، ۱۳۸۹ش، قم- ایران، هجرت، چاپ پنجم
- ۲۰- قمی، حاج شیخ عباس، مفاتیح الجنان، ترجمه الهی قمشه ای، ۱۳۹۰ش، قم- ایران، آیین دانش، چاپ اول.
- ۲۱- هاشمی، احمد، جواهرالبلاغه، مترجم: عرفان، حسن، ۱۳۹۳ش، قم- ایران، نشر بلاغت، چاپ هفدهم.
- ۲۲- همایی، جلال الدین، فنون بلاغت و صناعات ادبی، ۱۳۸۳ش، تهران- ایران، نشر هما، چاپ بیست و دوم.
- ۲۳- یسوعی، کامبل، اعلام الأدب العربی المعاصر، ج ۱ و ۲، ۱۴۳۱ق، قم - ایران، ذوی القربی، چاپ اول.